

بررسی نشریه علمی - کاوش

کاوشی در کاوش

گزارش سی و چهارمین نشست نقد آثار غیر تخیلی کودک و نوجوان

سی و چهارمین نشست نقد آثار غیر تخیلی، به نقد و بررسی «ماهنامه علمی - کاوش» پرداخت. این نشست با حضور افشین دانش‌نژاد، محمد کاوه و شهرام سروری، در تاریخ ۸۳/۱۰/۲۰ برگزار شد.

محسن هجری: به نام خدا. نشست امروز را با حضور دوستان عزیزمان از تحریریه نشریه کاوش برگزار می‌کنیم.

آقایان دانش‌نژاد، کاوه و سروری از دست‌اندرکاران ماهنامه کاوش، امروز زحمت کشیده و به جلسه ما تشریف آورده‌اند که از ایشان تشکر می‌کنیم.

نیت ما از برگزاری این نشست، در درجه اول این است که این ماهنامه، بیشتر به مخاطبان شناسانده شود و منتقدان ما بیشتر حساس شوند در مورد نشریات که کار علمی می‌کنند. یکی از مشکلاتی که ما در زمینه مخاطب کودک و نوجوان داریم، فقدان نظام و روشی است که بتواند ارتباط بین بچه‌ها و کارهای علمی برقرار کند. من سختم را کوتاه می‌کنم و گوش می‌کنیم به حرف‌های دوستان عزیز.

افشین دانش‌نژاد: من برای این که دوستان آشنا شوند با اهداف ماهنامه کاوش و کارهایی که تا حالا انجام داده‌ایم. به مواردی اشاره می‌کنم و امیدوارم روشن‌تر باشد. با توجه به این که اسم مجله‌مان کاوش است، سر کلیشه‌هایی که انتخاب شده، سعی کرده‌ایم که با حرف کاف باشد. یکی از سر کلیشه‌مان «کاوه» است که این قسمت به مطالبی می‌پردازد که در مورد ایران است. مثلاً در مورد مسجد جامع عباسی صحبت شده از دیدگاه علمی که چه فرایندهای علمی در ساخت آن به کار رفته و مثلاً به دو لایه بودن گنبد آن اشاره شده

کتاب ماه کودک و نوجوان برگزار می‌کند

سی و چهارمین نشست نقد آثار غیر تخیلی
نقد و بررسی ماهنامه علمی کاوش

با حضور اعضای تحریریه نشریه

بیستم دیماه ساعت ۱۳ بعد از ظهر
بین میابولسطنین جنوبی • شماره ۱۱۲۸ • طبقه ۱- • موسسه خانه کتاب
نیایان انقلاب



است. مطلبی هم داشتیم در مورد کارهایی که اخیراً انجام شده، مثل سد کارون. هم‌چنین، درباره دانشمندی‌های قدیمی، مثل ابن هیثم هم مطلب داشتیم.

به هر حال، هدف ما این است که بچه‌ها، آدم‌ها و چیزهایی را که دور و برشان هست، بهتر ببینند. مثلاً بخشی داشتیم در شماره دوم کاوش، در مورد دریاچه ارومیه. یکی از چیزهای منحصر به فردی که در این دریاچه وجود دارد، موجودی است به اسم «آرتمیا».

سر کلیشه دیگرمان «کنجکاو» است که در مورد مطالب علم امروز صحبت می‌کند. تلاش‌مان این است که ترس بچه‌ها را بریزیم و مطالب را ساده بیان کنیم و با تیتروهایی که گاه حتی جنبه فانتری دارد، مسائل را بررسی و تحلیل نماییم. مثلاً در شماره اول کاوش سه یا چهار ماه بعد از عمل جراحی دوقلوهای به هم چسبیده لاله و لادن، تحلیلی داشتیم از مشکلات پزشکی موجود در این زمینه و پرسیده بودیم که چرا این عمل انجام شده؟ سر کلیشه دیگر «کندوکاو» است که از طریق آن، بچه‌ها را با آدم‌هایی آشنا می‌کنیم که دوست دارند وقتی بزرگ شدند، جای آن‌ها باشند. چهره‌هایی مثل دکتر بهادری‌نژاد، دکتر قارونی، دکتر الیاسی و دکتر رفیعی که کارهای علمی بزرگی انجام داده‌اند و دانشجویان زیادی زیر دست‌شان رشد کرده‌اند. بچه‌ها دوست دارند بدانند که این‌ها

چه کار کرده‌اند که به این‌جا رسیده‌اند.

سر کلیشه دیگر کاوش، «کاکوتی» است. در این‌جا تلاش کرده‌ایم بچه‌ها با طبیعت بیشتر آشنا شوند و جلوه‌هایی از طبیعت را در قالب سفرهایی که دوستان به جاهای مختلف کشور داشتند، برای آن‌ها بازگو کنیم. مطلب دیگری که تحت سرکلیشه «کاسنی» بیان شده، راجع به محیط‌زیست است و مشکلاتی که در زمینه آلودگی محیط‌زیست می‌تواند توسط بشر ایجاد شود و شناساندن زیست‌گاه‌های جذاب ایران به بچه‌ها. بعضی وقت‌ها هم در مورد جانوران است که یکی از شماره‌ها راجع به «ماریتا» بود؛ آخرین یوزپلنگی که از بین رفت.

کاوش یک بخش میانی دارد که تحت عنوان «کارگاه» است. سعی کرده‌ایم در این بخش ده تا دوازده صفحه‌ای، به فعالیت‌های عملی پرداخته شود. مثلاً ساختن وسیله‌ای با مواد خیلی ساده که بچه‌ها می‌توانند کارهای علمی با آن انجام بدهند، نظیر بادسنج، رطوبت‌سنج یا دماسنج. شاید بعد از خواندن ده، پانزده شماره از کاوش، بچه‌ها بتوانند یک ایستگاه هواشناسی بزنند! یا در زمینه‌های دیگر، مثل نحوه جمع کردن نمونه‌های گیاهی است و بعضی از مقالات کاوش، حتی می‌تواند جنبه ملی پیدا کند. یعنی اگر بچه‌ها جمع کردن نمونه‌های گیاهی را در نقاط گوناگون کشورمان دنبال کنند، می‌توانیم یک موزه گیاهی بسیار

شگفت‌انگیز از گیاهانی که در ایران وجود دارد، داشته باشیم.

بخش دیگر به اسم «کارنامه» داریم که می‌کوشیم کار بچه‌ها را در آن معرفی کنیم. البته در کاوش، همان‌طوری که در شماره‌های مختلفش گفته‌ایم، هر نوع کاری را چاپ نمی‌کنیم؛ مگر کارهایی که اصول علمی در ساخت آن‌ها رعایت شده باشد. هدف‌مان این است که بچه‌ها یاد بگیرند یک کار علمی را درست انجام بدهند. بخش دیگری به اسم «کاربر» داریم که تا حالا به ساختار داخلی رایانه‌ای مربوط بوده که خیلی از بچه‌ها دوست دارند بدانند چیست و چگونه است. یک بخش هم شبیه‌سازی بوده که سعی می‌کنیم به بچه‌ها یاد بدهیم کار با کامپیوتر، فقط «چت کردن» نیست. سعی کرده‌ایم برنامه‌نویسی کامپیوتری را به صورت خیلی ساده به آن‌ها یاد بدهیم. یکی از کاربردهای خیلی مهم کامپیوتر «شبیه‌سازی» است و ما تا جایی که توانسته‌ایم، مطالبی را عنوان کرده‌ایم که خواندنش برای بچه‌ها جذاب باشد.

بخش دیگری به اسم «کار» داریم که سعی می‌کنیم هر چند شماره، رشته و مطلبی را در آن معرفی کنیم. مثلاً می‌گوییم یک مهندس چه خصوصیتی می‌تواند داشته باشد یا مثلاً «پلی‌مر» چیست؟ بخشی به اسم «کاپ» داریم که در مورد علم ورزش است. مثلاً بچه‌ها می‌شنوند که باید قبل از ورزش بدن را گرم کرد که با زبان ساده و در

حد سوادشان، مطالبی را که در مورد ورزش و فیزیولوژی بدن است، به بچه‌ها توضیح می‌دهیم. سر کلیشه‌ای به اسم «کاتور» داریم که شبیه سر کلیشه «کنجکاو» است. البته مطالب علمی که در «کاتور» بیان می‌شود، خیلی جدید نیست، ولی داریم سعی می‌کنیم که مطالبی را به بچه‌ها ارائه



بدهیم که یا خوب برای آن‌ها جا نیفتاده و یا می‌گوییم این‌طوری هم می‌شود به مسئله نگاه کرد. مثلاً در یکی از شماره‌ها راجع به بند کفش صحبت شده. سعی کرده‌ایم به بچه‌ها بفهمانیم از چیزهایی که در اطرافشان هست به سادگی نگذرنند. هم‌چنین، درباره موضوع‌های رایجی مثل بشقاب پرنده، سعی کرده‌ایم به صورت خاص و



علمی مطرح‌شان کنیم. یا حتی در حوزه علوم انسانی و رشته‌هایی شبیه باستان‌شناسی که شباهت زیادی به کارآگاهی دارد و فکر می‌کنیم کار کارآگاهی برای بچه‌ها جذاب است.

بخشی هم به اسم «شواک» داریم که عکس واژه «کاوش» است و در این جا به استفاده‌های

غیرصحيح از علم می‌پردازیم: مثل ساخت بمب اتمی و استفاده از آن، ویروس‌های کامپیوتری، بمب‌های شیمیایی. بخش دیگری به اسم «کانون» داریم که از علم و هنر صحبت می‌کند. تاریخچه‌ای تهیه کرده‌ایم درباره این که سینما چگونه با علم پیوند خورده. بخش مسابقه و سرگرمی کاوش،

دانش نژاد:

شاید بعد از خواندن ده، پانزده شماره از کاوش،

بچه‌ها بتوانند یک ایستگاه هواشناسی بزنند!

یا در زمینه‌های دیگر، مثل نحوه جمع کردن نمونه‌های گیاهی مطلب دارد و بعضی از مقالات کاوش، حتی می‌تواند

جنبه ملی پیدا کند. یعنی اگر بچه‌ها جمع کردن

نمونه‌های گیاهی را در نقاط گوناگون کشورمان

دنبال کنند، می‌توانیم یک موزه گیاهی بسیار شگفت‌انگیز

از گیاهانی که در ایران وجود دارد، داشته باشیم

«کاواک» نام دارد.

در بخش «سایت» سعی کرده‌ایم در هر شماره، چند سایت اینترنتی را معرفی کنیم، منتهی مطالبی را که داخل این سایت‌ها هست، کمی بیشتر برای بچه‌ها توضیح بدهیم؛ چون یکی از علت‌هایی که از اینترنت خوب استفاده نمی‌شود، این است که زبان انگلیسی بچه‌ها خیلی قوی نیست، بنابراین، سعی

کاوه:

مشکل ما این است که نمی‌توانیم از مطالبی که

به دست ما می‌رسد، به همان صورت در مجله‌مان

استفاده کنیم؛ چون فقط اطلاعات صرف است

و این جور مطالب به دست ما می‌رسد. ما در جلسات

بررسی می‌کنیم و گاهی مجبور می‌شویم بعضی از

مطالب را بازنویسی کنیم. دقایق علمی از مقالات

برداشت می‌شود و طوری که برای بچه‌ها قابل فهم باشد،

بازنویسی می‌شود. می‌توان مقاله‌های خارجی

خیلی شسته و رفته و خوب ارائه داد، اما بچه‌ها

نمی‌توانند بخوانند. هدف ما این است که

بچه‌ها به خودباوری برسند

کردیم که توضیحات نسبتاً کافی بدهیم یا حداقل بگوییم این دکمه را می‌زنی، این را می‌خواهد بگوید. در ضمن، برای این که بچه‌ها اطلاعاتی محلی از سایت‌ها داشته باشند، تحت عنوان «کارتونک»، مطالبی چاپ می‌کنیم.

در هر شماره سعی کرده‌ایم کتاب‌هایی را که

برای بچه‌ها مناسب است، به آن‌ها معرفی کنیم. بخشی به اسم «کارتون» داریم که بخش کمیک‌استریپ است و به صورت‌های مختلف در مجله آمده. معرفی آدم است؛ مثلاً در مورد ابن سینا بوده و به صورت طنز آمده. یک بخش تاریخچه علم بوده؛ مثلاً در مورد تاریخ الکتریسته. در آخرین شماره هم مطالبی درباره بیماری «هاری» بود. بخش دیگری داریم که زیر مجموعه «کارگاه» مان است، به اسم «گاه» و در مورد آسمان شب و صورت‌های فلکی است که بچه‌ها اگر شب خواب‌شان نبرد و به پشت‌بام رفتند، بتوانند صورت‌های فلکی را پیدا کنند.

بخش اخبارمان تحت عنوان «چکاوک» است. بخشی هم برای داستان‌های علمی-تخیلی داریم که تنها کار ترجمه‌مان در همین قسمت چاپ شده. داستانی از «ایتالوکالونیو»، از کتاب کم‌دی‌های کیهانی را برای بچه‌ها آورده‌ایم. بخش دیگری در مورد تغذیه داریم که هر چه هم به

بچه‌ها می‌گویند چیپس و پفک نخورند، بچه‌ها تا قانع نشوند، کار خودشان را انجام می‌دهند. ما کوشیده‌ایم به زبان علمی، این قضیه را عنوان کنیم. یک بخش هم تحت عنوان «کاف»، راجع به مسائلی است که به «ارگونومی» برمی‌گردد؛ مثلاً در مورد کیف و کفش مدرسه بچه‌ها. به هر حال این‌ها کارهایی بوده که در کاوش انجام شده. اگر فرصتی شد، بعداً در مورد این که چه قدر به هدف‌های مان رسیده‌ایم یا نزدیک شده‌ایم و سراغ چه کارهای تازه‌ای می‌خواهیم برویم، صحبت خواهیم کرد.

محمد کاوه: سلام. من به عنوان عضوی از تحریریه کاوش، قرار است بگویم که چه اتفاقی در تحریریه کاوش، برای جمع و جور کردن این مطالب می‌افتد. قبلاًش دلم می‌خواهد بگویم که ما مثلاً در کلاس سوم راهنمایی، موش و خوکچه جراحی می‌کردیم، پوستش را پیوند می‌زدیم و آن را زیر آب نگه می‌داشتیم که بدانیم چه قدر بدون اکسیژن زنده می‌ماند.

استادهایی داشتیم که ما را راهنمای می‌کردند و این کار شاید خیلی سازمان یافته و صحیح نبود، اما ما لذت می‌بردیم. دل‌مان نمی‌آمد از مدرسه به خانه برویم.

در یکی از شماره‌های کاوش، قصه‌ای داریم به نام «مدرسه ۱۴۰۹» که به نحوی شاید بیانگر

نوستالوژی من باشد برای آن مدرسه. البته مدرسه ما این طوری نبود، ولی آن جوری که بود، نمی توانستیم بنویسیم. بعد که رفتیم دانشگاه، دیدیم که هر چه شوق و ذوق هم داریم، دارد کشته می شود. دل مان می خواست در کاوش، ارتباطی با بچه ها داشته باشیم که این فضایی را که عملاً تجربه کرده بودیم (ما حتی شب شعر و داستان نویسی هم داشتیم)، این فضای شیرین و به یادماندنی را که در وجود ما ماندگار شده، بچه ها هم بتوانند تجربه کنند و لاقلاً بدانند که امکانش هست.

در تحریریه کاوش، سعی مان بر این بوده که حتی الامکان، خودمان چیزی ننویسیم. برای این که خالی نشویم. مگر چه قدر فرصت داریم مطالعه کنیم و به روز باشیم؟ سعی کردیم «لینک» های مختلفی داشته باشیم در این شاخه هایی که گفتیم فیزیک و شیمی، ریاضی و زیست شناسی و محیط زیست و کامپیوتر است.

دوستانی که داریم، مقالات را به ما می دهند و ما در جلسات هفتگی، این ها را بازنگری و حک و اصلاح می کنیم تا بتوانیم یک چیز هماهنگ در بیابیم و ارائه بدهیم.

آدم های غیر حرفه ای که با ما همکاری می کنند، برای ما مشکل می سازند و آدم های حرفه ای هم که با آن ها کار می کنیم، برای ما مشکل ایجاد می کنند. مشکل آدم های غیر حرفه ای این است که نمی دانند باید چه کار کنند. مثلاً فرض کنید که برای تغذیه بچه ها می خواهیم مطلب بنویسیم. می رویم سراغ

عده ای در این مملکت که برای تغذیه بچه ها کار می کنند. یکی می گوید ما برای این گروه سنی کار نکرده ایم. بعضی می گویند ما فعلاً فقط روی کم خونی کار می کنیم. آن وقت نیم ساعت یا یک ساعت، به ما توصیه می کنند که این یا آن کار را بکنید. در حالی که خودشان با آن امکانات وزارتخانه ای نتوانسته اند این کارها را انجام بدهند. به ما می گویند که ما با امکانات مجله ای انجام بدهیم که این هم محقق نمی شود. تازه این افراد متخصص و استاد دانشگاه و کارشناس تغذیه هستند. گروه دیگر جوانانی هستند که تغذیه خوانده اند و علاقه مند به کار هستند و ما از آن ها مطلب می خواهیم و متأسفانه نمی توانند مطلبی که مناسب کار است، به ما بدهند. مقداری اطلاعات صحیح به ما می دهند که خیلی مناسب کار ما نیست. بنابراین، مجبور می شویم آن ها را بازنویسی کنیم؛ چون کار عملی است و خیلی باید دقت شود که غلط نباشد.

اما حرفه ای هایی هم که کار مطبوعاتی می کنند، متأسفانه چون ما مجله عملی نداشته ایم که با توجه به نیازهای مخاطبان این محدوده سنی کار کنند تجربه ای در این زمینه ندارند. آن ها به ما توصیه می کنند که کار را ژورنالیستی کنید، ولی ما نمی توانیم این کار را بکنیم. چون ما در نظر داریم که بچه ها با یک بیان ساده و جذاب، احساس صمیمیت با کار کنند و از یک چیز غیر واقعی شگفت زده نشوند. باید با توجه به روحیات و کشش و عشق و کنجکاوی شان، آن ها را شگفت زده کنیم. به هر حال، دوستانی که در ژورنالیسم حرفه ای هستند، ولی کار عملی انجام نداده اند، نیاز ما را برآورده نمی کنند. برای همین، ما در مقالات مان هنوز به صد در صد یا هفتاد تا هشتاد درصدی که مطلوب مان بوده، نرسیده ایم. خلاصه این که مجبوریم دستی در کار این دوستان ببریم. ما خیلی دوست داشتیم که کارهای مان، کار

سروری:

قصد ما این نیست که از راه ژورنالیسم تجارت کنیم و این تجارت مستلزم این باشد که مثلاً متن ها خیلی سریع نگاشته شود و یا هیجان های کاذب در آن باشد. بنابراین، فهم برای ما خیلی مهم بوده و سرعت، آن جایی اهمیت پیدا می کرده که در فهم کمک کند. مثلاً کوتاه شدن یا ساده شدن جمله، جایی که به فهم کمک می کرده، برای ما مهم بوده. از این بابت، انتخاب واژه ها و جملات و رابطه های افقی و عمودی که بین واژه، کلمه و پاراگراف ها وجود دارد، برای ما مهم است

کنند. بیشتر ضربات و برآیند نیروها روی توپ بیلارد توضیح داده می شد یا مثلاً روی پیانو. نمی دانم چند درصد از بچه های ما پیانو دارند که بتوانند به راحتی با این قضیه ارتباط برقرار کنند. اصلاً شیوه ای که آن ها در انتقال مفاهیم علمی دارند و سطحی که رعایت می کنند، با ما متفاوت است. در ضمن، ما خودمان را ملزم می دانیم که یک جوری این قضیه را بومی کنیم و این کار با این تنوع فرهنگ و اقلیمی که در مملکت ما وجود دارد، خیلی ساده نیست.

هجری: خیلی متشکر. از آقای سروری خواهش می کنم. صحبت کنند.

سروری: من نزدیک چهار ماه است که با مجله کاوش همکاری می کنم. وظیفه من ویراستاری مجله است. البته مقالاتی هم در بعضی از زمینه های که کار کرده ام، می نویسم. چیزی که به عنوان یک ویراستار با آن کار داریم، این است که



همین مشکلات و دغدغه هایی را که در مجموعه کاوش هست، باید بیابیم در سطح کلان و بتوانیم راه حل هایی را که در سطح کلی یک نوشته طراحی می شود، بیابیم در سطح کلمه، واژه، جمله و پاراگراف و همبستگی ایجاد کنیم بین هدفی که کل مقاله دارد، با آن اهداف ریزی که از کلمات و جملات برداشت می شود.

چهار ماه پیش که من آمدم، چند مشکل در مجله کاوش دیدم که خدمت آقای دانش نژاد، به عنوان سردبیر مجله، گزارش دادم. در این فرصت، در مورد این مشکلات صحبت می کنم و می گویم چه کارهایی تا الان انجام داده ایم و چشم اندازمان برای آینده چیست. مشکل عمده ای که من در مجله کاوش دیدم، این است که تقریباً نود درصد مقالات تالیفی است. این به خودی خود مشکل نیست، ولی مشکل مقالات تالیفی این است که اولاً کسی که مقاله را نوشته، با توجه به مشکلاتی که آقای کاوه گفتند، معمولاً غیر حرفه ای در نوشتن

ترجمه ای نباشد. علتش این است که قبل از کاوش، ده تا دوازده سالی کار معلمی و ترجمه کتاب و نوشتن انجام داده ایم. من یک مثال می آورم. اگر کسی دل درد داشته باشد، پزشک می گوید برو «سونوگرافی». شاید بیست سال پیش با یک گوشی گذاشتن تشخیص می داد. البته الان هم یک پزشک حاذق، شاید با گوشی گذاشتن تشخیص بدهد. منتهی می گوید منبع (Text) به من می گوید که اولین اقدام سونوگرافی و بعد آزمایش خون و غیره است. این منبع برای خارج از این مملکت طراحی و کار شده و طبق نیازها و امکانات آن هاست. در حالی که یک پزشک در یک روستای دور افتاده، اگر بخواهد طبق این منبع عمل کند، باید چه کار کند؟ ما در استفاده از منابع خارجی، مشکلی مشابه این داریم. ما با کارهایی که از خارج می آید، مشکل فرهنگی داریم. مثلاً آن موقعی که هنوز این قدر جواز باشگاه بیلارد داده نشده بود، من یک کتاب فیزیک دیدم که می خواستند، ترجمه

است. برای همین خیلی از اصول نگارش را نمی‌شناسد و رعایت نمی‌کند. پس کس دیگری باید این اصول را اعمال کند. مورد دوم، در مورد مطالب افراد حرفه‌ای است که متأسفانه در زمینه کار علمی برای نوجوان، مطلب ننوشته یا کم نوشته‌اند. بنابراین، در این نوشته‌ها هم گاه نحوه بیان و حتی واژه‌ها برای بیان مطالب علمی مناسب نیست و باید بازنویسی شود.

مشکل دیگر، این است که در بین خوانندگان هم مشکل فهم مقاله وجود دارد. یعنی مقاله علمی مناسب برای نوجوانان چون کم بوده، فهم مقالات علمی برای دانش‌آموزان هم مشکل شده. این مشکل را چند چیز دامن می‌زند. یکی کتاب‌های درسی دبیرستان و راهنمایی است. می‌دانید که اصول یا شیوه‌نامه یکسانی در نگارش متون وجود ندارد. مثلاً نمی‌توانیم بگوییم تمام متن‌های فیزیک دبیرستان، بر اساس این اصول نگاشته شده. حتی کتاب‌های درسی دانشگاهی هم همین مشکل را دارد. کتاب‌های درسی خوب دانشگاهی، اکثراً ترجمه است و یا اگر مترجم هم خیلی وارد باشد، چون خیلی وفادار بوده به اصل و متن درس و بیشتر برای دانشجو نگاشته شده، آن مطالب هم نمی‌تواند به نوجوانی دبیرستانی که رفته دنبال این متن دانشگاهی کمک کند.

موضوع سوم، کتاب‌های کمک آموزشی فراوانی است که به دلیل عجله‌ای که ناشران برای چاپ کتاب‌هایشان دارند و هم‌چنین، چون توسط افراد غیرمتخصص در زمینه‌های مختلف نگاشته شده، چندان کارایی ندارد. اکثر خانواده‌ها به جای این که کتاب علمی برای بچه بخزند، کتاب کمک آموزشی می‌خرند. کتاب کمک آموزشی، صدمه زیادی می‌زند به پیکره اصول نگارشی که دانش‌آموز باید بلد باشد. برای ما خیلی مهم است که مطلب علمی واقعاً فهمیده شود. قصد ما این نیست که از راه ژورنالیسم تجارت کنیم و این تجارت مستلزم این باشد که مثلاً متن‌ها خیلی سریع نگاشته شود و یا هیجان‌های کاذب در آن باشد. بنابراین، فهم برای ما خیلی مهم بوده و سرعت، آن جایی اهمیت پیدا می‌کرده که در فهم کمک کند. مثلاً کوتاه شدن یا ساده شدن جمله، جایی که به فهم کمک می‌کرده، برای ما مهم بوده. از این بابت، انتخاب واژه‌ها و جملات و رابطه‌های افقی و عمودی که بین واژه، کلمه و پاراگراف‌ها وجود دارد، برای ما مهم است. موضوع دیگر این که مطلب باید بومی شود. وقتی می‌خواهیم موضوع علمی را بومی کنیم یا اصلاً این موضوع بومی وجود دارد، ولی از واژه‌های بیگانه برای بیان آن استفاده می‌کنیم، خواه‌ناخواه اگر اثر مثبتی از بابت انتخاب موضوع روی دانش‌آموز بگذاریم، به لحاظ زبانی روی او اثر منفی می‌گذاریم و کلمات و زبان بیگانه



سروری:

واژه‌هایی را که برابر فارسی برای‌شان پیشنهاد نشده و یا اگر هم شده، زیاد جالب نیست و به فهم دانش‌آموز کمکی نمی‌کند، با خط فارسی بنویسیم. این امر برای ما اولویت دارد.

البته در مواردی که به فهم مطلب کمک بکند، صورت انگلیسی آن واژه را هم به صورت پی‌نوشت می‌آوریم.

در بعضی موارد هم که دست‌مان بسته باشد و آن واژه باید به همان صورت بیگانه نوشته شود،

این کار را خواهیم کرد

در سطح نوجوان ایرانی است، پیدا نکردم. یک کتاب پیدا کردم که شیوه نگارش متون به زبان انگلیسی است. خیلی هم عالی است، ولی نمونه فارسی‌اش را پیدا نکردم. البته اشاره‌هایی در مقالات بعضی اساتید شده. به این دلیل، به فکر افتادیم که خودمان با توجه به بازخوردهایی که مقالات‌مان دارد و کارهایی که کرده‌ایم و جمع کردن نظریات اساتید، شروع کنیم به تدوین یک شیوه‌نامه. این شیوه‌نامه در چند سطح، در حال تدوین است که البته حتماً آیرادات زیادی هم خواهد داشت. ما دوست داریم در مقالات‌مان، به مرور اصول این شیوه‌نامه را رعایت کنیم. این شیوه‌نامه

به دانش‌آموز القاء می‌شود این امر می‌تواند این ذهنیت غلط را برای دانش‌آموز در پی داشته باشد که ما حتی علمی را که ایران وجود دارد، باید با واژه‌های بیگانه یاد بگیریم. این موضوع باعث شد که ما به فکر این بیفتیم یک شیوه‌نامه درست کنیم. مشکل اصلی کاوش را که در خدمت آقای دانش‌نژاد گفتیم، این بود که در کاوش تا شماره دهم، شیوه‌نامه وجود نداشت و یا حداقل این شیوه‌نامه اگر هم در ذهنیت مقاله‌نویس یا ویراستار بود، مدون نبود. من کل بازار کتاب ایران را گشتم و کتاب مدونی در این باره پیدا نکردم. هیچ کتابی برای این که بگویند این شیوه‌نامه نگارش یک مقاله علمی



گرفته‌ایم تا باز خوردش را ببینیم. موضوع دوم که الان روی آن کار می‌کنیم و دوست داریم در چند ماه آینده به نتیجه برسد، یک واژه‌نامه علمی یا لغت‌نامه است برای دانش‌آموز. اگر ما این کار را بتوانیم بکنیم، هم در مورد خود کاوش یک قدم خیلی مهم برداشته‌ایم و هم در مورد نگارش علمی، در سطح آموزش و پرورش هم اثر خوبی خواهد گذاشت.

ما برای بعضی از واژه‌های علمی بیگانه، برابره‌های فارسی داریم که از این برابرها معمولاً استفاده زیادی می‌شود. از طرفی، برای بعضی واژه‌ها که برابر فارسی زیبا و قابل فهم داریم، ولی کم استفاده می‌شود. به نظر ما استفاده از برابره‌های فارسی ارجحیت دارد. مثلاً استفاده از واژه رایانه به جای کامپیوتر را الان داریم انجام می‌دهیم. بعضی از واژه‌ها هم پیشنهادش توسط فرهنگستان شده و برای دانش‌آموز قابل فهم است، ولی به نظر می‌رسد که استفاده از واژه بیگانه شاید یک مقدار بچربد. در این موارد قانونی گذاشته‌ایم که اگر واژه بیگانه در متون دیگر زیاد استفاده می‌شود یا آوردن آن در مقاله به فهم دانش‌آموز کمک کند، آن را به صورت پی‌نوشت به دانش‌آموز ارائه بدهیم. بنابراین، دنبال تدوین یک واژه‌نامه برای کاوش هستیم که این واژه‌نامه در آینده می‌تواند به یک دایره‌المعارف نوجوانان منجر شود. همان‌طور که در همه جای دنیا هم این کار را می‌کنند.

کار بعدی‌مان این است که واژه‌هایی که برابر فارسی برای‌شان پیشنهاد نشده و یا اگر هم شده، زیاد جالب نیست و به فهم دانش‌آموز کمی نمی‌کند، با خط فارسی بنویسیم. این امر برای ما اولویت دارد. البته در مواردی که به فهم مطلب کمک بکند، صورت انگلیسی آن واژه را هم به صورت پی‌نوشت می‌آوریم. در بعضی موارد هم که دست‌مان بسته باشد و آن واژه باید به همان صورت بیگانه نوشته شود، این کار را خواهیم کرد. به عنوان چشم‌انداز آینده، ما دوست داریم بعد از این که این کارها انجام شد، یک مقدار بیشتر برویم سراغ روابط بین خود جملات و پاراگراف‌ها و در این مورد هم شیوه‌نامه‌ای تدوین کنیم و بگوییم که ساده‌نویسی در نگارش متن علمی برای نوجوانان یعنی چه و چه اصولی باید در آن رعایت شود و نمونه‌هایی از مقالات خوب را ارائه کنیم و بگوییم به نظر ما این مقالات خوب است. ببخشید که زیاد صحبت کردم. **هجری: متشکرم. تعریفی از علم داریم که مترادف ساینس است. (Science) در «آکسفورد» این به معنای مطالعه رفتارها و ساختارها با دو ابزار مشاهده و تجربه آمده است. از طرفی، معنایی از علم در ایران رواج دارد که به معنای دانستن‌هاست (Knowledge). معنای دیگری هم از علم داریم که آموختن تکنیک‌ها و**

دانش نژاد:

خوشبختانه دوستانی که در تحریریه کاوش هستند،

حداقل چهارده تا پانزده سال است که کار معلمی و کار مدیریت کرده‌اند

در مقاطع مختلف راهنمایی و دبیرستان. یعنی ارتباط نزدیکی با

نوجوان‌ها دارند. با وجود این، شاید کافی نباشد طبیعتاً نیاز است که

کارهای دیگری انجام شود و قصد داریم به صورت منظم‌تر،

برنامه‌هایی برای بچه‌های کاوش‌خوان بگذاریم

اولین کاری که کردیم، دستور خطمان را مشخص کردیم. دستور خط فارسی را گذاشتیم مصوبه فرهنگستان. ما باید اول چیزی را مینا قرار بدهیم تا بعد به نقد بگذاریم. مصوبه فرهنگستان را با یک تبصره اجرا کردیم. به این معنا که چون صورت مفرد واژه‌ها برای ما مهم بود و چون در مصوبه فرهنگستان آمده که «ها» به کلمه بچسبد، با یک تبصره، دستور خط فرهنگستان را پذیرفتیم. حالا دنبال این هستیم که به نقد بگذاریم؛ یعنی اگر دستور خط فرهنگستان برای فهم دانش‌آموز مشکلی دارد، این را باید به نقد بگذاریم. برای این کار، برنامه‌هایی را به صورت آماری در نظر

را ۱- سطح جمله ۲- در سطح جمله ۳- در سطح پاراگراف و ۴- در سطح کل مقاله می‌خواهیم طراحی و اجرا بکنیم. از آنجا که هدف نهایی معلوم است، اول باید ببینیم کل مقاله چه هدفی را دنبال می‌کند و بعد در سطح‌های پاراگراف، جمله و کلمه آن‌ها را رعایت کنیم. بعد در این سطوح، ارتباط‌های عمودی و افقی را لحاظ کنیم. در واقع، می‌خواهیم شیوه‌هایی را طرح کنیم که هم مبتنی بر سطح فهم دانش‌آموز باشد و هم مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی ما و هم در تضاد با علم نباشد. ما هم جنبه فهم علمی را باید در نظر بگیریم و هم فهمی که از جمله عاید می‌شود.

کاربردها را شامل می‌شود. می‌خواهم ببینم شما معنای دقیق علم تجربی را تا چه اندازه مدنظر دارید و می‌خواهید چگونه مخاطب خودتان را به مطالعه ساختارها و رفتارها، با دو ابزار مشاهده و تجربه، وادار کنید؟

از جمله چیزهایی است که به آن اعتقاد داریم. برای این که بچه‌ها اگر بتوانند یک مطلب را خوب یاد بگیرند، بهتر از این است که صد تا مطلب را حفظ کنند. بچه‌های ما متأسفانه جزوه‌ای هستند. داریم سعی می‌کنیم که مقداری از جزوه دورشان کنیم. اگر می‌خواهند پشت کامپیوتر بنشینند، درست بنشینند. به هر حال تجربه کردن هم قسمتی از خوب فهمیدن است و خوب خواندن مهم است.

هجری: از دوستانی که صحبت یا سؤالی دارند، خواهش می‌کنم بفرمایند.

پورمحمد: آیا در مورد مجله کاوش، از خود مخاطبان که بچه‌ها باشند، نظرخواهی شده؟ در مورد رسم الخط، باید بگویم که هنوز در ایران، رسم الخطی که پایه و اساس باشد، وجود ندارد. می‌گویند مهم‌ترین رسم الخط، رسم الخط کتاب‌های فارسی بچه‌ها است. آیا در کاوش یک

ارتباط بین جملات و پاراگراف‌ها، قاعده‌ای که گذاشته‌ایم، این است که از این متن، فهم راحت‌تری صورت بگیرد. مثلاً اگر قرار باشد شش بار یک موضوع توضیح داده شود، برای آن که دانش‌آموز بفهمد، شش بار تکرار می‌کنیم، ولی اگر تکرار یک جمله به صورت‌های مختلف باعث شود که سرعت فهم دانش‌آموز گرفته شود، نباید این کار را کرد. بعضی وقت‌ها جمله معترضه، به فهم دانش‌آموز کمک می‌کند و گاهی باعث می‌شود که اصلاً آن پاراگراف را نفهمد. در متون علمی، معمولاً حتی‌المقدور باید جمله‌ها کوتاه باشد. مثلاً باید متوجه باشیم که به طور متوسط، دانش‌آموز پس از پنج کلمه دیگر نمی‌تواند از جمله مفهوم خوبی برداشت کند. همان‌طور که سرعت فهم کلمات هم متفاوت است. در سطح دستور خط فارسی، فعلاً قاعده‌مان مشخص است، اما در سطح ارتباط بین جملات و پاراگراف‌ها داریم با مخاطب تعامل می‌کنیم و به نقد می‌گذاریم. این جلسه یا جلسات مشابه می‌تواند کمک کند.

دانش‌نژاد: در مورد شناخت مخاطب یا نظرخواهی از مخاطبان، خوشبختانه دوستانی که در تحریریه کاوش هستند، حداقل چهارده تا پانزده

جوابی:

گفت‌وگو، گزارش، خبر و مسائل روزنامه‌نگاری، خیلی در کاوش برجسته نیست. مثلاً خبرنگاران را خیلی دم‌دستی از کنارش گذاشته‌اید.

مجله شما ماهنامه است و بچه‌ها طبیعتاً از طریق روزنامه‌ها و

جاهای دیگر، خبرها را کسب می‌کنند. می‌توان خبرها را تحلیل و روی

ارزش‌های خبری کار کرد. در بعضی جاها مثلاً خبر افتتاح سد کارون، تقریباً

همزمان شده با آبگیری سد. من فکر می‌کنم می‌شود با ارائه تحلیل، بچه‌ها را

حساس کرد و ارزش‌های خبری را برای آن‌ها برجسته کرد

سال است که کار معلمی و کار مدیریت کرده‌اند در مقاطع مختلف راهنمایی و دبیرستان. یعنی ارتباط نزدیکی با نوجوان‌ها دارند. با وجود این، شاید کافی نباشد طبیعتاً نیاز است که کارهای دیگری انجام شود و قصد داریم به صورت منظم‌تر، برنامه‌هایی برای بچه‌های کاوش‌خوان بگذاریم. مثلاً جلسات نقد بگذاریم که آن‌ها نظریات‌شان را به صورت مشخص‌تر بیان کنند.

هجری: یعنی تا الان جمع‌بندی به صورت سیستماتیک انجام نشده؟

دانش‌نژاد: به صورت کاملاً سیستماتیک نه، ولی به صورت جسته و گریخته انجام شده.

هجری: بعد از گذشت چند شماره، فکر می‌کنید نیاز هست که این کار انجام شود؟

خوشبخت: تیراژ مجله چه قدر است؟

دانش‌نژاد: من در هیأت سخت‌افزاری کاوش نیستم و فقط مجله را در می‌آورم.

فروهر: خسته نباشید. سؤال من از آقای کاوه است. آیا تمام مطالب علمی، توسط هیأت تحریریه خود نشریه نوشته می‌شود یا این که سفارش می‌دهید؟ آقای کاوه گفتید ما، سعی می‌کنیم اصلاً از ترجمه استفاده نکنیم یا کم استفاده کنیم. اگر مطالب فقط تألیفی باشد و آدم‌های به خصوصی این مطالب را بنویسند و موضوعات مان محدود باشد به فکر چند نفر آدم، آیا دچار تکرار نخواهیم شد؟ من کاملاً قبول دارم که بعضی چیزها را باید صد در صد از فرهنگ خودمان استفاده کنیم ولی یک چیزهایی علمی، دو دو تا چهار تا در همه جای دنیا صادق است.

کاوه: خیلی متشکرم. باید بگویم که کانون پرورش، خیلی در این زمینه با ما همکاری داشته. کانون به هر حال یک ارگان دولتی است. من از طرف تحریریه کاوش، از آقای شاه‌آبادی و سایر دوستانی که با ایشان در انتشارات کانون همکاری دارند، تشکر می‌کنم. نمی‌گویم هیچ مشکلی وجود نداشت، ولی لاقلاً خیال ما از این بابت راحت بود کاری که در می‌آوریم، اگر تغییر کند، خیلی جزئی است. چند پیشنهاد جزئی بوده در یکی، دو شماره اول که آن‌ها را با کمال میل پذیرفته‌ایم.

مشکل ما این است که نمی‌توانیم از مطالبی که به دست ما می‌رسد، به همان صورت در مجله‌مان استفاده کنیم؛ چون فقط اطلاعات صرف است و این جور مطالب به دست ما می‌رسد. ما در جلسات بررسی می‌کنیم و گاهی مجبور می‌شویم بعضی از مطالب را بازنویسی کنیم. دقائق علمی از مقالات برداشت می‌شود و طوری که برای بچه‌ها قابل فهم باشد، بازنویسی می‌شود. می‌توان مقاله‌های خارجی خیلی شسته و رفته و خوب ارائه داد، اما بچه‌ها نمی‌توانند بخوانند. هدف ما این است که بچه‌ها به خودباوری برسند.

فروهر: من خیالم راحت شد که به هر حال، شما هم از ترجمه استفاده می‌کنید!

خوشبخت: به نظر من، شما خیلی روی این مجله زحمت کشیده‌اید، اما چند اشکال دارد که نمی‌تواند در بین بچه‌ها موفق باشد. یکی همان جلد مجله است. این اصلاً برای نوجوان مناسب نیست. حداقل می‌توانستند یک عکس از هری پاتر بگذارید. و بگویند بچه‌ها این کتاب، این قدر فروش رفته. خبر دارید گاهی نویسندگی هم می‌تواند آدم را پول‌دار کند؟ منهای این که شعور آدم را بالا می‌برد. دوم این که عنوان، برای بچه‌ها نیست. مطالب هم ضمن این که ساده شده، سنگین است. به نظر من، ساده‌نویسی در کنار شناخت، دغدغه مخاطب است. فقط این است که ما یک مطلب علمی را ساده بنویسیم. باید ببینیم برای چه کسی

شیوه واحد در مورد رسم الخط پیاده می‌شود؟ چون کار خیلی تکنیکی و فنی است.

سروری: ما در مورد رسم الخط، چند موضوع را در ویراستاری مدنظر داریم. یکی این است که کلاً اصول جلدنویسی و سرهم‌نویسی را رعایت می‌کنیم. ما رسم الخطی را به عنوان رسم الخط مبدا در نظر گرفته‌ایم که بعداً دچار مشکل نشویم. اگر کسی گفت چرا این رسم الخط را دارید، می‌گوئیم فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۸۱ این رسم الخط را گذاشته. سعی می‌کنیم تمام مقالات و نوشته‌ها و تیتراها و سوتیتراها و پی‌نوشت‌ها بر اساس این رسم الخط نوشته شود. حالا بعد از چند شماره و با توجه به بازخورد مخاطبان، ممکن است تبصره‌های دیگری هم به آن الحاق شود. فعلاً در مورد دستور خط این کار را می‌کنیم و در مورد

می‌نویسیم و او دغدغه‌اش چیست. در واقع این مجله برای یک مجموعه عملی خیلی خوب است؛ برای یک مدرسه حرفه‌ای و تکنیکی، در حالی که وقتی ما جامعه نوجوانان را مخاطب قرار می‌دهیم، جامعه ما همه‌اش علمی نیست. مطالب این جمله، شاید برای پیش‌دانشگاهی‌ها مناسب باشد. در مورد سوژه‌ها و سر کلیشه‌ها هم بهترین کار این است که از خود نوجوان‌ها نظر بخواهیم.

دانش‌نژاد: در مورد سختی مطالب کاوش، باید بگویم شاید در دو، سه شماره اول، یکی - دو مقاله سخت بوده که آن هم دلیلش مشخص است. در ضمن، کار نگارش تقریباً سلیقه‌ای است. این که بچه‌ها دوست دارند چه چیزی را بدانند، حتماً از آن‌ها سؤال می‌شود. در برخوردی که با بچه‌ها داریم و در مجله هم عنوان شده، حداقل در هفت - هشت شماره اول از بچه‌ها پرسیده شده که چه دوست دارند. بعضی از مطالب، به دلیل سختی نوشتن مطلب، خیلی وقت می‌برد. مثلاً یک مطلب پنج صفحه‌ای راجع به این هیثم، شاید حدود صد تا صد و پنجاه ساعت وقت برده است. تازه، آن چیزی که می‌خواهیم صد در صد درنیامد. به هر حال، محدودیت‌هایی وجود دارد. این است که روی همه مطالبی که بچه‌ها دوست دارند، شاید نتوانیم آن‌طور که می‌خواهیم، کار کنیم.

هجری: خیلی متشکر. من از طرف دوستان نویسنده و منتقد درخواست می‌کنم که اگر امکان داشته باشد، دوستان ما نشریه کاوش را برای جامعه ادبیات کودک که چیزی حدود سی‌صد تا چهارصد نویسنده است ارسال کنند؛ برای جایی مثل انجمن نویسندگان یا شورای کتاب کودک یا سایر محافل ادبی. **نوری:** سلام و خدا قوت خدمت‌تان می‌گویم. چند پیشنهاد دارم. به نظر من بهتر است نشریه کاوش به همه موضوع‌ها، جز موضوعات هنری و ادبی، بپردازد. یعنی مثلاً فقط فیزیک نداشته باشد و به دانش اجتماعی و اقتصاد و غیره هم بپردازد. مورد دیگر هم که دوست‌مان گفتند، به راه‌هایی فکر کنیم که مشارکت بچه‌ها را به دست بیاوریم. واقعاً بچه‌ها مشارکت می‌کنند. ما می‌توانیم خیلی چیزها از آن‌ها یاد بگیریم. دیگر این که روی بحث پژوهش تأکید داشته باشیم و آن را نهادینه کنیم. دوست‌مان می‌گفتند، مطالب برای محدوده سنی بالاتر است، ولی من نگاه کردم و دیدم محدوده سنی مجله، خیلی پایین است و بیشتر برای دوره راهنمایی خوب است تا دوره دبیرستان. بچه‌های امروز، از طریق تلویزیون و اینترنت و ماهواره آن قدر مغزشان پر است که هر چیزی شما صحبت می‌کنید، آن‌ها شنیده‌اند و می‌دانند.

دانش‌نژاد: من از شما تشکر می‌کنم. هم‌چنین از آقای خوشبخت. من خوشحال می‌شوم که عیب و ایراد ما رو می‌شود. در غیر این صورت، آدم

نمی‌تواند ادامه بدهد. من دوست داشتم شما همه شماره‌های مجله را دیده بودید. آن وقت بهتر می‌توانستید به ما کمک کنید. مثلاً ما خواستیم بچه‌ها در مورد بازیافت کاغذ، نکاتی بیاموزند. البته، هدف ما این نبود که آن‌ها کاغذساز شوند. ما در شماره‌هایی از کاوش، خواستیم که بچه‌ها گزارش کار بنویسند و ایمنی را در زمان کار رعایت کنند. خواستیم روش کار یادشان بماند.

سروری: بازیافت کاغذ مسئله‌ای است که در سطح جهانی مطرح است. ما بازیافت کاغذ را در این شماره و در یک صفحه آوردیم. در شماره بعدی که چاپ خواهد شد، در دو برگ، کارگاهی داریم که کارگاه عیناً در بین دانش‌آموزان دوم راهنمایی یک مدرسه امتحان شده. بعد آمدم آن را یک مقاله کرده‌ایم. این طور نبوده که خودمان مقاله‌ای بنویسیم و بعد بخواهیم دانش‌آموز، طبق نظر ما این کار را انجام بدهد. حالا بعد از مرحله بازیافتی، مرحله کاغذ واقعی ساختن است و بعد از آن، به این می‌پردازیم که با آن کاغذ چه کار می‌توانند بکنند و چه چیزهایی می‌توانند بسازند. این‌ها جزو مراحل است که در این زمینه خاص مدنظر است.

یعقوبی: این بچه‌ها، پسر بودند یا دختر و در کدام منطقه؟

سروری: پسر بودند و در منطقه ۳. کاری مثل بازیافت کاغذ، در زمینه دانش‌آموزی، مسبوق به سابقه نیست. ما این را امتحان می‌کنیم. این که بازخوردش چه قدر است، در آینده معلوم می‌شود.

یعقوبی: من مادر اصلاً اطلاع نداشتم چنین مجله‌ای وجود دارد. بچه من اصلاً نمی‌داند چنین مجله‌ای هست. هر کاری انجام می‌شود، در منطقه ۱ و ۲ و ۳ آموزش و پرورش تهران است؛ این وسط شهرستان‌ها تکلیف‌شان چیست؟ خدا می‌داند.

دانش‌نژاد: ما به خیلی از شهرستان‌ها رفته‌ایم. **هجری:** در مورد اطلاع‌رسانی، واقعاً این مشکل وجود دارد. نمی‌دانم شما برای معرفی مجله‌تان چه قدر کار تبلیغی کرده‌اید؟

دانش‌نژاد: دو، سه مدرسه در اسلام‌شهر داریم که معاونان مدرسه تماس گرفتند که بیاوید. قرار شده از بهمن ماه، ان شاءالله به صورت منظم به آن مدارس برویم. بچه‌های شهرهای مختلف هم با مجله تماس دارند.

جوادی: خیلی از دوستان مجله را ندیده‌اند، ولی خوشبختانه من به فراخور وظیفه‌ای که در کانون برعهده دارم، تقریباً همه شماره‌های مجله را مطالعه کرده‌ام. خیلی از سر کلیشه‌هایی که شما از آن‌ها اسم بردید، در شماره‌های مختلف مجله تکرار می‌شود من نمی‌دانم چه اصراری هست که این اتفاق بیفتد و خیلی وقت‌ها هم بین این هماهنگی وجود ندارد. البته از یک جنبه ممکن است خوب باشد و بتواند سلیقه‌های مختلف مخاطبان شما را

پوشش بدهد، ولی مثلاً خود من که به این موضوع‌ها علاقه‌مندم، گاهی خسته می‌شدم؛ یعنی تا آخر مجله که می‌رفتم، مرا خسته می‌کرد. احساس من این است که با چاپ ویژه‌نامه‌ها که به نوعی مطلب مشخصی را دنبال کند، می‌شود این مشکل را به نحوی حل کرد.

موضوع دیگر این که گفت‌وگو، گزارش، خبر و مسائل روزنامه‌نگاری، خیلی در کاوش برجسته نیست. مثلاً خبرنگاران را خیلی دم‌دستی از کنارش گذاشته‌اید. مجله شما ماهنامه است و بچه‌ها طبیعتاً از طریق روزنامه‌ها و جاهای دیگر، خبرها را کسب می‌کنند. می‌توان خبرها را تحلیل و روی ارزش‌های خبری کار کرد. در بعضی جاها مثلاً خبر افتتاح سد کارون، تقریباً هم‌زمان شده با آبیگری سد. من فکر می‌کنم می‌شود با ارائه تحلیل، بچه‌ها را حساس کرد و ارزش‌های خبری را برای آن‌ها برجسته کرد. متشکرم.

فرخی: خیلی متشکر. در نگاه اجمالی که الان به مجله کردم، به نظرم آمد که یک فضای مذکر و مردانه بر این مجله حاکم است. حتی تصاویر خیلی مردانه انتخاب شده. در بین اعضای هیأت تحریریه هم گویا اکثریت قاطع با آقایان است.

هجری: تشکر می‌کنم. نکته‌ای که به ذهنم رسید، این است که تکنولوژی و فناوری، مخاطبی را که در جریان نیست، خود کم بین می‌کنند. دلیل احساس حقارت ما نسبت به تکنولوژی غرب، این است که در فرآیند و پروسه شکل‌گیری این تکنولوژی نیستیم و به یک‌باره با محصول تکنولوژی مواجه شده‌ایم. تکنولوژی، محصول است و خود علم نیست. من فکر می‌کنم اگر کاوش، مرز بین تکنولوژی و علم را مشخص کند، سودمند باشد. علم با یک نوع خلاقیت توأم است. کسی که علم‌باور است، خودش به مشاهده‌گری و آزمایش کردن علاقه پیدا می‌کند. این مرزبندی به نظر من ضروری است؛ برای این که شما روی بومی شدن دانش حساسیت دارید و می‌خواهید مخاطب را به خودباوری برسانید. چیزی که ما نیاز داریم در سطح مخاطبان کودک و نوجوان، رساندن آن‌ها به این تفکر است که می‌توانیم تجربه کنیم و می‌توانیم همان دستاوردها را در یک پروسه بلند مدت داشته باشیم.

دانش‌نژاد: ما داریم سعی می‌کنیم به بچه‌ها یاد بدهیم که مسائل ما با مسائل دیگران می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً در مورد پزشکی، مسئله ما مالاریاست، ولی در خارج از کشور، مسئله سرطان خون است. حداقل کاری که انجام می‌دهیم، به بچه‌ها یاد می‌دهیم که بیشتر مسائل خودمان را ببینند.

هجری: با تشکر از دوستان کاوش و دیگر دوستانی که تشریف آوردند. در امان خدا.